بازداشت‌شده افغانستانی‌اند، اما بعداً وزیر اطلاعات در مجلس گزارش داد که حتی یک جاسوس دستگیرشده هم، افغانستانی نبوده است. در یک فضای مسموم رسانه‌ای این طرح را اجرا کردند. این شرایط کوچک‌ترین نتیجه این طرح فاجعه‌بار است، غیر از اینکه پروژه‌های عمرانی خُرد و کلان متوقف شده است؛ چون بسیاری از کارگران حداقل دستمزد وزارت کار را قبول ندارند.» شفاخواه می‌گوید که او و همکرانش در سازمان‌های مردم‌نهاد از سال‌های گذشته این مشکل را با شهرداری داشتند که وقتی مراجعه کردند و می‌گفتند چرا وضعیت شهر به این صورت است، به گردن پیمانکار می‌انداختند و می‌گفتند، ما پروژه‌ها را به پیمانکار می‌سپاریم. «این نکته را هم باید در نظر بگیریم که زباله از نظر اقتصادی ارزشمند است و پیمانکاران آنها را می‌خرند و وضعیت بازیافت آن را برعهده دارند. آنها نه‌تنها مهاجران غیرقانونی، بلکه کودکان را هم تحت استثمار قرار دارند. ما مواردی داریم که کودک افغانستانی مهاجر دچار حادثه یا آزاری شده، اما در میان رسیدگی پرونده، ردمرز شده است. اخراج فوری و ردمرز نه‌تنها با هیچ‌یک از موازین بین‌المللی که ایران آن را پذیرفته و متعهد به اجرای آن است همخوانی ندارد، بلکه با قوانین داخلی هم مغایرت دارد. مانند همه کشورهای دیگر، پرونده اخراج یک مهاجر باید در یک محکمه صالح بررسی شود و اجازه اعتراض داشته باشد. ما می‌دانیم شاید بسیاری از این مهاجران ممکن است وضعیت پناهجویی نداشته باشند، اما غیر از این است که بسیاری از ایرانیان مهاجر به کشورهای دیگر هم به‌دلیل وضعیت اقتصادی، مهاجرت کرده‌اند؟ آیا صرف وضعیت معیشتی نمی‌تواند از دلایل پناهجویی باشد؟» او می‌گوید که شهرداری به هیچ عنوان زیر بار تخلفات پیمانکاران خود نمی‌رود، چه کودک‌آزاری اتفاق افتاده باشد و چه به این وضعیت شهر رها شده باشد. پیمارانکاران شهرداری قبلاً با پرداخت یک‌سوم حداقل حقوق و به کارگیری کودکان مهاجر، آنها را به کار می‌گرفتند و حالا به‌یک‌باره آن را قطع کرده‌اند. شفاخواه معتقد است که بحث زباله‌گردی کودکان همچنان وجود دارد اما زباله‌ها در همه شهر تلنبار شده است و شهرداری از عهده آن برنمی‌آید.» کودکان در چنین شرایطی دچار سل و مشکلات پوستی می‌شوند، انباشت زباله در فصل تابستان، عواقب زیادی دارد. در همین محله شهرداری کاش آقای زاکانی قدمی بزنند و ببینند که کودکان در میان همین زباله‌ها در حال بازی هستند.»

بحران خدمات شهری

پیمانکارانی که سال‌ها از مصدق و بقیه کارگران پناهنده و مهاجر در ایران برای خدمات شهری تهران استفاده کردند، حالا دست‌به‌دامن ماموران پلیس و وزارت کشور شده‌اند تا برای جایگزینی نیروی ایرانی با آنها، کمی مهلت بدهند؛ پیمانکارانی که سال‌ها از این نیروها به‌طور غیرقانونی استفاده کرده‌اند؛ براساس ماده ۱۲۰ قوانین کار، «اتباع خارجی» تنها در صورت داشتن ویزا با حق کار و پروانه معتبر می‌توانند در ایران به کار مشغول شوند. علاوه بر این، در ماده ۱۸۱ قانون کار آمده است که به‌کارگیری نیروی خارجی فاقد پروانه کار، ممنوع است و درصورتی که کارفرمایان تخلف کنند، به مجازات حبس از ۹۱ تا ۱۸۰ روز محکوم خواهند شد. علاوه بر این، بند ج ماده ۱۱ قانون تنظیم‌بخشی از درآمدهای دولت، کارفرمایانی را که به‌صورت غیرمجاز از نیروی کار خارجی استفاده کنند یا آنها را در مشاغل غیرمجاز به‌کار گیرند، به پرداخت جریمه‌ای معادل پنج برابر حداقل دستمزد روزانه ملزم کرده است. براساس مصوبه شورای‌عالی کار برای سال ۱۴۰۴، جریمه استفاده غیرمجاز از نیروی کار اتباع خارجی فاقد مجوز، روزانه بیش از یک‌میلیون و ۷۳۰ هزار تومان خواهد بود و در صورت تکرار، به دوبرابر افزایش می‌یابد. همه این قوانین اما موجب نشده به کارگیری نیروهای افغانستانی در شهر تهران کمتر شود و همین سال‌هاست که صدای اعضای شورای شهر را درآورده. محمد حقانی، عضو پیشین شورای شهر تهران حالا به «هم‌میهن» می‌گوید که شورای شهر در دوره‌های مختلف در این باره ضعیف عمل کرده است. او می‌گوید نقش شوراها نظارتی است، نه اجرایی اما همین نقش نظارتی نیز در بسیاری مواقع به‌درستی ایفا نمی‌شود. اگرچه شورا نمی‌تواند به‌طور مستقیم وارد اجرا شود، اما می‌تواند پیگیر این باشد که چرا قوانین و ابلاغیه‌هایی که پیش‌تر از سوی دولت به شهرداری‌ها و وزارت کشور ارسال شده، رعایت نشده‌اند. «برای نمونه، ابلاغ شده بود که شهرداری‌ها مجاز به به‌کارگیری اتباع خارجی، به‌ویژه کارگرانی که به‌صورت غیرقانونی وارد کشور شده‌اند، نیستند. اما این دستورالعمل رعایت نشد و امروز شهرداری درنتیجه همین بی‌توجهی‌ها، دچار مشکل و بحران شده است. در شرایط کنونی، باید تا حد امکان سعی شود نیروی کار ایرانی جایگزین شود. اگر این امکان فراهم نباشد، به‌نظر من تنها راه‌حل موقت این است که از پیمانکاران خواسته شود در دوشیفت فعالیت کنند. درواقع استفاده بیشتر از نیروی کار موجود و انجام اضافه‌کاری، تنها مسکّن است برای عبور موقت از بحران پیش‌آمده.»

کسانی مثل حقانی معتقدند، اینکه در سال‌های گذشته شهرداری و پیمانکاران از وضعیت آسیب‌پذیر مهاجران افغانستانی سوءاستفاده کردند، کاملاً درست است. پیمانکاران، آن‌ها را بیمه نمی‌کردند، با پایین‌ترین دستمزد به کار می‌گرفتند و به‌دلیل بی‌مدرک بودن، کوچک‌ترین حقوق انسانی‌شان رعایت نمی‌شد. به‌گفته او، یکی از دلایل اینکه دستورالعمل‌های دولتی اجرا نمی‌شد، همین بود: اگر کارگران بیمه می‌شدند، پیمانکاران باید سهم دولت را هم پرداخت می‌کردند. آن‌ها برای فرار از پرداخت بیمه و مالیات، قانون را زیر پا گذاشتند و این وضعیت، امروز باعث بروز بحران شده است. حقانی می‌گوید در دستورالعمل‌ها، حتی اتباعی که دارای مدارک قانونی بودند هم مجاز به کار در شهرداری نبودند. البته شهرداری به‌صورت مستقیم استخدامی انجام نمی‌دهد؛ بلکه کار را به پیمانکار می‌سپارد، آن‌ها هم موظف‌اند که تابع قانون کار باشند اما واقعیت این است که نه شهرداری و نه پیمانکار، قانون کار را رعایت نمی‌کردند. «البته من چون نه عضو شورا هستم و نه مسئولیتی در شهرداری دارم، دقیق نمی‌دانم چه درصدی از کارگران محل کار خود را ترک کرده‌اند یا از کشور اخراج شده‌اند. اما به‌هرحال، با تکیه بر نیروهای موجود ـ اعم از پیمانکاران و کارگران ایرانی ـ می‌توان ازطریق اضافه‌کاری و البته با نظارت و عزم جدی، بخشی از مشکل را حل کرد. نقش معاونت خدمات شهری در این میان بسیار حیاتی است؛ چه در بخش فضای سبز، چه در حوزه‌ی نظافت، که اکنون در بحران قرار دارد. نظارت‌های موثر و دقیق در این حوزه می‌تواند کمک کند تا وضعیت فعلی شهر حفظ شود. این تخلفاتی که شما اشاره کردید ـ یعنی استخدام اتباع غیرمجاز ـ در همه‌ی ادوار شهرداری تهران وجود داشته است، اما در سال‌های اخیر شدت بیشتری یافته است. زمانی که من در شهرداری تهران بودم ـ ۱۴ سال سابقه دارم، شش‌سال در شورای شهر و حدود ۹ سال در معاونت خدمات شهری ـ ما به‌شدت مراقب بودیم که نیروی افغانستانی، به‌ویژه افرادی که فاقد پاسپورت، اجازه‌ی اقامت یا مجوز کار بودند، به‌کار گرفته نشوند اما ضعف نظارت و بی‌توجهی برخی پیمانکاران باعث شد این اتفاق بیفتد. حتی مواردی از به‌کارگیری کودکان کار نیز گزارش شد، که تبعات اجتماعی و انسانی بسیار سنگینی دارد.»

در دهه ۹۰ و زمانی که محمد حقانی در معاونت خدمات شهری شهرداری تهران مشغول به‌کار بود، قبل از واگذاری امور به بخش خصوصی، شهرداری تهران حدود ۳۰ هزار نیروی خدمات شهری در اختیار داشت؛ این شامل کارگران فضای سبز، پاکبانان و نیروهای بخش‌های دیگر بود. پس از واگذاری، شرایط تغییر کرد و نیروی انسانی کاهش یافت، اما کنترل و نظارت هم به‌همان نسبت کمتر شد. او می‌گوید این تخلفات فقط مربوط به کارگران افغانستانی نبود. در مواردی، حقوق نیروهای ایرانی هم به‌درستی پرداخت نمی‌شد. البته چون کارگر ایرانی باید بیمه شود و شرایط قانونی برایش فراهم باشد، فشار نظارتی بیشتری وجود داشت اما درباره کارگران افغانستانی، حتی همین حداقل‌ها نیز رعایت نمی‌شد.

توقف تحویل پسماند خشک از خانه‌ها

عباس‌آقا، رفتگر ایرانی خیابان پاکستان تهران، از ۹ سال پیش، خیابان‌های تهران را تمیز می‌کند. ساعت چهار صبح یک‌شب تابستانی، جاروی عباس‌آقا مثل همه ۹ سال گذشته، با همدم‌اش، جارو، در حال کار است و با چشم‌هایی خواب‌زده می‌گوید در دو، سه ماه گذشته، تعداد همکاران افغانستانی‌اش بسیار کمتر شده و همین، شیفت‌های بعضی از همکاران دیگر را بیشتر کرده. او از ساعت ۱۲ شب تا شش صبح کار می‌کند و ۱۷ میلیون تومان حقوق می‌گیرد، با حق بیمه و همین بیمه است که او را همه این سال‌ها رفتگر نگه داشته؛ مزایایی که کارگران خارجی شهرداری همه این سال‌ها از آن بی‌بهره بوده‌اند.

الهام فخاری، عضو شورای شهر تهران، همه اینها را نتیجه رویه و بازخورد نادرست و غیرعادلانه با آدم‌ها، به‌ویژه با نابرخورداران می‌داند که نه‌تنها در گذشته که امروز هم پیامدهای آسیب‌زا داشته و دارد. او به «هم‌میهن» می‌گوید هنگامی که از مقابله با به‌کارگیری کارگران بدون رعایت حق قانونی آنان در پرداخت حقوق، برخورداری از ساعت کاری و شرایط کار منصفانه و تنظیم درست نیروی کار سخن می‌گفتیم، نشست، بازدید و پیگیری داشتیم، برای این بود که مدیریت پسماند و نگهداشت شهر اول این‌که، قانونی و با رعایت انصاف، عدالت و دقت صورت بپذیرد و دیگر این‌که، با موج‌هایی ازاین‌دست، دچار چالش و فروپاشی نشود. به گفته او از اصلی‌ترین کارهای شهرداری‌ها، مدیریت پسماند و نگهداشت شهر است. زمانی رقیبان سیاسی ما یا حتی برخی نهادها به‌کنایه در نقد رویکردهای فرهنگی، اجتماعی دوره کاری‌مان می‌گفتند که شما اول به جمع کردن سطل آشغال‌های شهر بپردازید، درست است نگهداشت و مدیریت پسماند از وظیفه های اصلی شهرداری ها است ولی بدون آگاهی و پیش‌بینی و برنامه‌ریزی اجتماعی چگونه می‌توان شهر را درست و پاکیزه نگهداشت؟ «به‌کارگیری نیروی غیرقانونی، از کارگر کودک تا سالمند از مهاجر و پناهجوی بدون مجوز چه توجیهی جز سودجویی و بهره‌کشی از انسان درمانده و گرفتار داشته است؟ بارها به این پرداخته‌ایم و امروز هم به‌عنوان کنشگر اجتماعی و فرهنگی شهر پیگیری می‌کنیم که چرا شهرداری در نظارت بر پیمانکاران خود نتوانسته قانون و رعایت انصاف و عدالت قانونی و انسانی را قدرتمند اجرا کند که با خروج اجباری آن تعداد نیروی کار، وضعیت پسماند در شهر کم‌کم دچار مسئله جدی بشود؟ چرا از ویزا و حق کار مهاجر قانونی و پناهجوی دارای جواز به‌درستی و به‌جا دفاع نمی‌کند در حالی که به کار و خدمت او نیاز دارد و در برابر کارگر قانونی خود متعهد است؟»

فخاری می‌گوید که تحویل پسماند خشک جداسازی‌شده از مبدأ (خانه‌های مردم) یک‌ماه است بلاتکلیف و متوقف است؛ و این به‌قول او یعنی ما دچار یک بحران و پسرفت بزرگ در اداره شهر شده‌ایم. «گرچه سال‌هاست که با تغییر قانون و مقررات کار جمع‌آوری، تفکیک بازیافت و امحای زباله به پیمانکاران بخش خصوصی و البته یک شبکه‌ی منتفع مرتبط خاص، سپرده شده ولی می‌بینید که این حوزه شامل پسماند، نگهداشت از جمله برف‌روبی و موارد مرتبط، جزو اموری است که می‌تواند اختلال جدی امنیت و بهداشت شهری ایجاد کند. به‌نظر من و برپایه اصول پدافند غیرعامل شهری، باید این موارد را جزو وظایف حاکمیتی همچنان تلقی کرد و تا جای ممکن از واگذاری به پیمانکاری و بخش خصوصی در مراحل اصلی کاست. برخی از دلیل‌هایم نقص نظارتی، تجربه زدوبندها در مناقصه‌ها، عدم رعایت ضوابط در به‌کارگیری نیرو و رعایت حقوق کارگران است.»

به اعتقاد فخاری، شهردار تهران که در همه جلسات دولت شرکت می‌کند، باید با وزارت کشور در مورد دفاع از حق کارگر قانونی دارای ویزا که در حال خدمت در لباس نارنجی یا با لوگو و مشخصات لباس کار در شهر دچار بگیر و ببند شده، مذاکره و از حق کارگر طرف قرارداد خدمات شهری دفاع کند. «به‌طور ناگهانی چگونه بیش از ۱۰ هزار نیرو می‌توان جذب و بررسی کرد و به‌کار گرفت؟ از منظر پدافند غیرعامل شهری نگاه کنید، خواهید دید چه خطر بزرگی می‌تواند بشود چون اگر با شتاب و برای جبران فوری در به‌کارگیری افراد دقت نکنند چه‌بسا خطر سیار در شهر منتشر خواهد شد.»

کرامت انسانی رعایت نشد

بخش خدمات شهری تهران سه دسته نیرو دارد؛ نیروهایی که همراه با ماشین‌های حمل زباله‌اند (که پایین‌ترین و سخت‌ترین سطح کاری است)، نیروهای جاروکش خیابان‌ها و نیروهایی که راه آب‌ها و جوی‌ها را باز می‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد بعضی پیمانکاران ممکن است از یک کارگر برای هر سه کار استفاده کنند اما سختی کار، به‌ویژه برای نیرویی که کارگر ماشین زباله است، به‌حدی زیاد است که کمتر کسی حاضر به انجامش می‌شود. این شغل خطرات جسمی جدی دارد؛ آرتروز، کمردرد و بیماری‌های متعدد. پریسا پیمان، کنشگر شهری که سال‌ها در حوزه پسماند فعالیت کرده به «هم‌میهن» می‌گوید که اگر قرار است شهرداری تهران ۱۰ هزارنفر نیروی جدید جذب کند، باید حقوق، مزایا و تضمین سلامت برایشان فراهم باشد. «کارگر خدمات شهری هرروز با زباله‌های آلوده، شیرابه‌ها، پوشک، تیغ، مواد شیمیایی و... سروکار دارد. دستکش ندارد، ماسک ندارد، هیچ‌گونه حفاظتی ندارد. و اگر این مسائل برای نیروی ایرانی هم فراهم نشود، چرا باید کسی تن به چنین کاری بدهد؟ و اما مهم‌تر از همه، کرامت انسانی است. هیچ‌گاه درباره کارگران افغانستانی، کرامت انسانی رعایت نشده؛ نه هنگام کار، نه هنگام اخراج. اینکه سال‌ها از آن‌ها در سخت‌ترین مشاغل استفاده شود و بعد یک‌باره، بدون حمایت و بی‌رحمانه از مرز اخراج شوند، نقض فاحش حقوق‌بشر است. کارگری که نه کارت اقامت دارد، نه بیمه، نه امکان شکایت. اگر همین فرد یک‌روز دست‌اش قطع شود، چه کسی پاسخگوست؟ از دید من، این‌ها همه بی‌عدالتی‌هایی است که ریشه در ساختار بیمار و فاسد مدیریت شهری دارد.»

پیمان می‌گوید چرا پیمانکاران شهری از نیروی کار افغانستانی استفاده می‌کنند؟ چون هیچ قشری مظلوم‌تر و بی‌دفاع‌تر از آن‌ها پیدا نمی‌کنند. «اگر بررسی کنید، قراردادهای پیمانکاری شهرداری تهران با نیروهای افغان به‌صراحت ممنوعیت به‌کارگیری اتباع خارجی را ذکر کرده‌اند. در نسخه‌ای که من دیدم (احتمالاً مربوط به سال‌های ۶۵-۹۵)، پیمانکار موظف بود درصد کارگران افغانستانی را طی مدتی به صفر برساند اما این بند هیچ‌وقت اجرا نشد. من خودم چندسال پیش به‌طور غیررسمی و پژوهشی از سوله‌های آرادکوه بازدید کردم و طبق داده‌هایی که گرفتم، در زمان کرونا حدود ۷۰۰ کارگر افغانستانی در آنجا مشغول به‌کار بودند. در کرج هم یکی از مسئولان پسماند گفته بود که حتی پس از مکاتبه با وزارت کار برای جذب نیروی ایرانی، هیچ‌کس حاضر به‌کار نشد. چرا؟ چون این شغل، هم کم‌درآمد است، هم محیط کاری‌اش آلوده است و هم خطرات جسمی فراوانی دارد. افراد پس از مدتی دچار بیماری‌های مختلف می‌شوند. حتی در بازدیدهای مکرر خودم، ندیدم که ایرانی ای آنجا مشغول باشد. اینکه امروز نیروهای افغانستانی اخراج شده‌اند، خود بحرانی ایجاد کرده، چون ایرانی‌ها حاضر به انجام این کار نیستند. درحال‌حاضر شهرداری فراخوان داده تا ۱۶ هزار پاکبان ایرانی جذب کند. اما من بعید می‌دانم که بتوانند چنین تعدادی را از میان شهروندان ایرانی جذب کنند.»

به گفته او، راهکار اصلی برای جایگزینی نیروی انسانی در مدیریت پسماند، ، تأمین منابع مالی کافی است. اگر شهرداری‌ها بخواهند نیروی انسانی ایرانی را جذب کنند، باید بتوانند دستمزد مناسب و قابل قبولی پرداخت کنند چون این شغل، از جمله مشاغل سخت محسوب می‌شود و از جذابیت چندانی برخوردار نیست. بنابراین تنها عامل ترغیب‌کننده برای باقی‌ماندن نیروی انسانی در این حوزه، پرداختی مناسب است. بنابراین اگر شهرداری می‌خواهد نیروی انسانی جذب کند، باید چندگام عقب‌تر را اصلاح کند؛ آموزش شهروند، ایجاد زیرساخت، کاهش خطر محیط کار و نهایتاً پرداخت منصفانه.

خبرسازان

قاچاق بیش از ۲۳ هزار اقلام پزشکی

رئیس‌پلیس امنیت اقتصادی تهران بزرگ از کشف بیش از ۲۳ هزار مورد اقلام مصرفی پزشکی غیرمجاز در محدوده پونک خبر داد. به گزارش مهر، مهدی افشاری درباره جزئیات بیشتر این خبر گفت: «در پی اقدامات اطلاعاتی، مشخص شد افرادی اقدام به فروش اقلام مصرفی پزشکی غیرمجاز در انبار شرکتی در میدان پونک می‌کنند.» به گفته او، پلیس با هماهنگی از سوی مرجع قضائی در بازرسی مشاهده می‌کند که مقادیری اقلام مصرفی پزشکی غیرمجاز، در محل دپو و فاقد هرگونه اسناد و مدارک گمرکی است. افشاری اعلام کرد، کالاها شامل ۲۳ هزار و ۲۶۱ قلم، تجهیزات مصرفی پزشکی غیرمجاز بوده که پرونده قضائی مربوطه تشکیل و به‌همراه متهم به مرجع قضائی معرفی شد. ارزش ریالی کالاهای کشف‌شده بیش از ۱۰۰ میلیارد ریال برآورد شده است.

افزایش نرخ سرویس مدارس

مدیرعامل سازمان تاکسیرانی شهر تهران از پیشنهاد افزایش ۳۶/۸ درصدی نرخ سرویس مدرسه خبر داد. شادی مالکی در گفت‌وگو با ایسنا، در مورد آخرین وضعیت ساماندهی سرویس مدارس گفت: «تاکنون ۸ هزار دانش‌آموز در سامانه سرویس مدارس ثبت‌نام کرده‌اند و ۱۱۲ شرکت، متقاضی ارائه خدمات سرویس مدارس هستند که تاکنون ۷۰ شرکت موفق به دریافت تأییدصلاحیت شده‌اند.»

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان شمالی ۱۹۷۲۲۶۲

در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه اجرایی قانون یادشده اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در هیات مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک بجنورد مورد رسیدگی و تایید قرار گرفته جهت اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی‌های ثبتی (کثیرالانتشار و محلی) به شرح ذیل آگهی می‌گردد: بخش دو بجنورد پلاک ۱۹۹ اصلی اراضی موسوم به سریوان برزوا- ششدانگ یک قطعه زمین زراعی با کاربری زراعی- باغی در قسمتی از پلاک شماره فرعی ۱۶۲ و شماره اصلی فوق به مساحت ۱۸۷۷٬۷۱ مترمربع ابتیاعی جلیل مجرد فرزند ببی به میزان شش دانگ یک قطعه زمین زراعی با کاربری زراعی- باغی از محل مالکیت ثبتی حسینعلی و قنبرعلی و زینب اکبری برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۵۷۰۰۵۰۰۷۸۹۸-۱۴۰۳/۰۷/۱۵-۲ -ششدانگ یک قطعه زمین زراعی با کاربری زراعی- باغی در قسمتی از پلاک شماره فرعی ۳۰ و شماره اصلی فوق به مساحت ۲۲۹۰٬۷۹ مترمربع ابتیاعی جلیل مجرد فرزند ببی به میزان شش دانگ یک قطعه زمین زراعی با کاربری زراعی- باغی از محل مالکیت ثبتی تاجی خانی برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۵۷۰۰۵۰۰۷۹۰۱-۱۴۰۳/۷/۱۵ لذا بدینوسیله به فروشندگان و مالکیت مشاعی و اشخاص ذینفع در آرای اعلام شده ابلاغ می‌گردد چنانچه اعتراضی دارند باید از تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهند در صورتی که اعتراض در مهلت مقرر قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننماید اداره ثبت مبادرت به صدور سند خواهد نمود ضمنا صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۱

سعید عقیقی/ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو بجنورد

شرکت ملی حفاری ایران «سهامی خاص»

آگهی مناقصه نوبت دوم

مشخصات مناقصه:

نام مناقصه گزار	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مبلغ برآورد (ریال)	مبلغ تضمین
شرکت ملی حفاری ایران	۲۰۰۴۰۹۳۹۸۵۰۰۰۴۰۵	تعمیرات مخازن ۵۰۰ بشکه ای مایعات و سیلو های ذخیره سیمان	۷۵٬۰۰۰٬۰۰۰٬۰۰۰	۳٬۷۵۰٬۰۰۰٬۰۰۰
روش ارزیابی: براساس کسب حداقل امتیاز مربوط به معیارهای موجود در استعلام های ارزیابی کیفی که توسط متقاضیان شرکت در مناقصه تکمیل می شود، انجام می گردد. (حداقل امتیاز ۵۰)				
تحویل اسناد به شرکت: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir و اصل ضمانت نامه به آدرس اهواز- بلوار پاسداران بالاتر از میدان فرودگاه – شرکت ملی حفاری ایران – ساختمان پایگاه عملیاتی – طبقه اول پارت B – اتاق ۱۰۷ دبیرخانه کمیسیون مناقصات- شماره تماس ۳۴۱۰۰۰۰۰ – ۳۴۱۴۸۵۲۲-۰۶۱			تاریخ شروع دریافت اسناد: از روز سه شنبه مورخ (۱۴۰۴/۰۵/۲۱) لغایت روز سه شنبه مورخ (۱۴۰۴/۰۵/۲۸) آخرین مهلت ارسال پاسخ استعلام: روز چهارشنبه مورخ (۱۴۰۴/۰۶/۱۲)	
انواع تضامین قابل قبول: ضمانتنامه بانکی (به جز ضمانتنامه بانک پاسارگاد و سپه که مورد قبول نمی باشد) و یا ضمانتنامه های صادره از سوی موسسات اعتباری غیر بانکی دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی اصل فیش واریز وجه نقد به حساب شماره ۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۳۶ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان تمرکز وجوه سپرده شرکت ملی حفاری ایران (شماره شبا IR۳۵۰۱۰۰۰۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۳۶) و سایر تضمین های معتبر در آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۵۹ ت / ۱۲۳۴۰۲ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ مورد قبول و پذیرش می باشد.			مدت اعتبار پیشنهاد/ تضمین: ۹۰ روز (برای یک بار در سقف مدت اعتبار اولیه قابل تمدید باشد)	

کانال‌های اطلاع رسانی شرکت ملی حفاری ایران http://sapp.ir/nidc_pr www.nidc.ir

شناسه آگهی: ۱۹۷۹۰۹۳

دانشگاه علم و صنعت ایران

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای

دانشگاه علم و صنعت ایران در نظر دارد سرویس و نگهداری پست های برق و دیزل ژنراتورهای دانشگاه مطابق مشخصات اعلام شده در مدارک و مستندات پیوست به شماره فراخوان (۲۰۰۴۰۹۴۵۵۷۰۰۰۰۰۷) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس WWW.setadiran.ir واگذار نماید.

اطلاعات تماس و نشانی دستگاه مناقصه گزار:

شماره تلفن: ۷۷۲۴۰۴۲۱ اداره کارپردازی

نشانی: تهران- میدان رسالت- خیابان دانشگاه علم و صنعت- دانشگاه علم و صنعت ایران کد پستی: ۱۶۸۴۶-۱۳۱۱۴

مواعد زمانی:

- تاریخ انتشار فراخوان: روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۱
- مهلت دریافت اسناد فراخوان: از روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ لغایت روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۸
- مهلت تحویل پیشنهادات: از روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ لغایت ساعت ۱۱ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۱
- زمان بازگشایی پاکات: ساعت ۱۳:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۱

مبلغ و نوع تضمین سپرده شرکت در مناقصه:

- مبلغ تضمین: ۲٬۳۱۵٬۰۰۰٬۰۰۰ ریال
- نوع تضمین: ضمانتنامه بانکی یا چک تضمین شده بانکی و یا واریز مبلغ تضمین به شماره حساب ۴۰۰۱-۰۷۵۷-۰۷۱۴-۷۷۹۲ نزد سپرده بانک مرکزی به نام تمرکز وجوه سپرده بودجه عمومی دانشگاه علم و صنعت ایران

م الف: ۱۷۳۹ شناسه آگهی: ۱۹۸۰۲۲۴